

صادرات غیرنفتی، تراز تجاری و فصل طلایی: ضرورت محاسبه صحیح

شاتا، خبرآنلاین، جهان اقتصاد، گسترش صمت

عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، تراز تجاری نفتی ایران را به عنوان یکی از کشورهای تولید و صادرکننده نفت همواره مثبت عنوان کرد و گفت: نفتی کردن صادرات غیرنفتی برای نمایش تراز مثبت تجاری، دور شدن از واقعیت های تجاری و در واقع دستیابی به امری است که پیش از این حاصل شده بود.

به گزارش روابط عمومی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، امین مالکی در سخنرانی علمی با عنوان "چشم انداز تجارت خارجی ایران" که در محل موسسه برگزار شد افزود: دقیق تر آنکه این تراز مثبت تجاری بهاره پیامی به معنای بهبود عملکرد بخش تجارت خارجی به همراه ندارد؛ چراکه با لحاظ کردن میعانات ۱/۷ میلیارد دلاری فصل بهار حاصل شده، همزمان با روند نزولی صادرات غیرنفتی (۵/۳- درصد رشد سالانه) و واردات (۱۳- درصد رشد سالانه) به دست آمده و به ویژه اصلی-ترین جزء واردات یعنی واردات اقلام واسطه ای با سهم ارزشی ۵۴ درصد، در بهار ۱۳۹۵ افت شدیدی داشته (۱۸- درصد رشد سالانه) که نشان از رکود اقتصاد داخلی دارد.

وی اظهار کرد: در نهایت در این دوره رشد ارزشی تجارت خارجی در بازده سالانه منفی ۹ درصد و رشد وزنی آن مثبت ۳/۴ درصد است که نشان دهنده شاخص نزولی عملکرد بخش تجارت خارجی کشور (ارزش افزوده کمتر در ازای تناژ بیشتر جابجایی اقلام تجاری) است.

مالکی با اشاره به اینکه تراز مثبت تجاری ۱/۵ میلیارد دلاری بهار ۱۳۹۵ با محاسبه صادرات میعانات به دست آمده گفت: در این زمینه همواره از این نکته مهم غفلت می شود که در آمد حاصل از

نفت و گاز، درآمدی ناشی از فروش منابع زیرزمینی بوده و حاصل فعالیت مولد اقتصادی نیست و آنچه در این زمینه مهم است، تراز بازرگانی بدون نفت و گاز است.

وی ادامه داد: ورود میعانات به جمع اقلام صادرات غیرنفتی نه تنها باعث می‌شود تراز مثبت تجاری مفهوم فنی و اقتصادی خود را از دست بدهد، بلکه زمینه تورش‌های محاسباتی دیگری را نیز فراهم می‌آورد.

عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی با بیان اینکه در بهار ۱۳۹۵ میعانات به لحاظ ارزشی ۱۶/۱ درصد و به لحاظ وزنی ۱۵/۱ درصد کل صادرات را به خود اختصاص داده است افزود: با توجه به سهم قابل توجه میعانات و ماهیت دامنه نوسانات بالای اقلام نفتی در دروه رونق و رکود، که چه به لحاظ وزنی و چه به لحاظ ارزشی، نسبت به دامنه نوسانات صادرات غیرنفتی کالایی به شدت بالا است، در صورت جمع زدن میعانات با صادرات، عملکرد آن را با تورش قابل توجه ای نسبت به واقعیت نشان می‌دهد.

وی تصریح کرد: به عنوان مثال، در بهار ۱۳۹۵ که رشد ارزش دلاری صادرات کالایی و صادرات پتروشیمی به ترتیب ۹/۱ و ۲/۲- درصد می‌شود، رشد سرجمع صادرات غیرنفتی بدون میعانات به ۴/۲ درصد می‌رسد. اما با توجه به نرخ رشد منفی ۳۵/۷ درصد میعانات، عملکرد ارزش صادرات غیرنفتی با میعانات به منفی ۵/۳ درصد کاهش پیدا کرده است.

این پژوهشگر اظهار کرد: وضعیت تناژ صادرات غیرنفتی نیز به همین منوال است. نرخ رشد وزنی صادرات کالایی در بهار ۱۳۹۵ بالغ بر ۳۰/۶ درصد است که در تجمیع با نرخ رشد وزنی ۱۴ درصدی صادرات پتروشیمی، نرخ رشد صادرات غیرنفتی بدون میعانات را به ۲۵/۱ درصد می‌رساند.

وی ادامه داد: اما در محاسبه نرخ رشد وزنی صادرات غیرنفتی با میعانات به ناچار باید عملکرد رشد وزنی میعانات معادل منفی ۳۲/۴ درصد نیز به جمع ارقام یاد شده اضافه شود و در نتیجه عملکرد رشد وزنی صادرات غیرنفتی برخلاف واقعیت به ۱۰/۸ درصد کاهش می‌یابد.

عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی تورش در محاسبه ارزش واحد صادرات غیرنفتی را از اشکالات دیگر اضافه کردن میعانات به جمع اقلام صادرات غیرنفتی ذکر کرد و گفت: نوسانات بالای قیمت جهانی نفت و پاره‌ای ملاحظات بازاری در خصوص صادرات میعانات (مانند ضرورت ارزان‌فروشی برای حفظ بازار) باعث می‌شود تا قیمت صادرات میعانات از دامنه نوسان بالایی برخوردار باشد و تا حدود زیادی ارزش واحد واقعی صادرات غیرنفتی را دچار تورش کرده، به هنگام افزایش‌های شدید قیمت میعانات، مانند فصل بهار ۱۳۹۲ آن را بیش از میزان واقعی و به هنگام کاهش شدید قیمت نوسانات، مانند بهار ۱۳۹۵، کمتر از میزان واقعی نشان می‌دهد.

وی با بیان اینکه در تاریخ مدون تجارت خارجی کشور، تنها یک «فصل طلایی» وجود دارد افزود: در این فصل طلایی که پاییز ۱۳۹۴ است مجموع صادرات کالایی و پتروشیمی از واردات کشور پیشی می‌گیرد که بهار ۱۳۹۵ از منظر تراز تجاری نزدیک‌ترین نقطه به پاییز ۱۳۹۴ است. بطوریکه میزان اختلاف صادرات غیرنفتی و واردات در این فصل به کمترین میزان خود رسیده به گونه‌ای که در آن، کسری تراز تجاری واقعی (بدون میعانات) ۲۱۹ میلیون دلار است. این دستاورد زمانی نمود پیدا می‌کند که بدائیم یک سال پیش از این، در بهار ۱۳۹۴، کسری واقعی تراز تجارت خارجی ۴ میلیارد دلار بوده است.

مالکی با اشاره به اینکه تراز تجاری، متغیری است که مثبت و منفی بودن آن به خودی خود حاوی بار اقتصادی بخصوصی نیست گفت: چنانچه اقتصادی در حال خروج از رکود از رشد وارداتی (به ویژه واردات مواد اولیه و سرمایه‌ای) بیش از میزان صادرات معمول خود برخوردار شود، تراز تجاری

منفی پیدا می‌کند که لزوماً معنای اقتصادی منفی ندارد و بالعکس اقتصادی که رکود بخش تجارت خارجی آن منجر به کاهش میزان صادرات و واردات و احتمالاً کاهش بیشتر واردات نسبت به صادرات می‌شود، با دستیابی به تراز تجاری مثبت، وضعیت وخیم‌تری خواهد یافت.

وی اظهار کرد: استفاده از شاخص‌های اقتصادی با فرمول و اجزاء محاسباتی صحیح باعث می‌شود تا علاوه بر استفاده از این شاخص‌ها در ارزیابی میزان دستیابی به اهداف اسناد بالادستی و توسعه‌ای، بتوان آنها را در سطح منطقه‌ای و در مقایسه با آمار و شاخص‌های دیگر کشورها نیز بکار گرفت.

عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی در خاتمه گفت: برای این منظور ضرورت دارد تا با محاسبه صادرات غیرنفتی بدون در نظر گرفتن اقلام نفتی و بخش عمده‌ای از فصل میعانات، به تعریف صحیحی از این متغیر مهم تجارت خارجی کشور دست یافت.



موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی